

عفاف و حجاب





حجاب برای چیست؟ آیا حجاب، با آزادی و شرکت در امور مختلف

منافات دارد؟

برای پاسخ به این سؤال باید حجاب را از نظر قرآن و به طور

کلی اسلام بررسی نمود، سپس به ارتباط میان حجاب و

آزادی پرداخت.

حجاب در قرآن

واجب بودن حجاب برای زنان از ضروریات دین مبین اسلام است. واجب بودن حجاب از نظر قرآن، گفتار پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) نیز به حکم عقل و اجماع رأی فقها و علمای اسلام امری ثابت است. در قرآن، حدود چهار آیه به واجب بودن حجاب دلالت دارد. اما در مورد حفظ عفت و پاسداری از حریم آن، بیش از ده آیه در قرآن وجود دارد.





چهار آیه ای که بر وجوب حجاب برای زنان دلالت دارد عبارتند از :

آیه ۳۰ سوره نور، ۵۹، ۳۳ و ۲۳ سوره احزاب، که به هر کدام اشاره می کنیم.



الف - آیه ۳۰ سوره نور:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...»

ای پیامبرا به زنان باایمان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نسازند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهران شان و سایر افراد محرم شان ...». در این آیه به پنج موضوع اشاره شده است:



- 1- زنان باید دیدگان خود را از نگاه به نامحرم فرو خوابانند.
 - 2- زنان باید دامن خود را از هر نوع عامل بی عفتی حفظ نمایند.
 - 3- زنان باید زینت خود را جز آن مقدار که به طور قهری طبیعی است، پنهان سازند.
 - 4- زنان باید روسری های خود را بر گردن و سینه بیفکنند.
- ابن عباس در معنی این جمله می گوید: «یعنی زن باید مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند.»
- 5- زنان باید زینت خود را جز برای افراد محرم آشکار نسازند.

ب - آیه ۵۹ سوره احزاب:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ
ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو جلباب ها (= روسری های بلند)
خود را بر خویش افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند
بهتر است (و اگر تاکنون خطا کرده اند توبه کنند). خداوند همواره آمرزنده مهربان
است.»

این آیه علاوه بر تصریح حجاب، به یکی از فلسفه های حجاب که عدم آزار از ناحیه
مزاحم هاست اشاره نموده است.



ج - آیات ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي
قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا. وَاقْرُنَّ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید،

پس به گونه هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن

شایسته بگوئید (و در خانه های خود بمانید) و همچون دوران جاهلیت نخستین (در

میان مردم) ظاهر نشوید.»



انواع پوشش :

شهید مطهری در مورد انواع پوشش می نویسد:

«استفاده زنان از روپوش های بزرگ که بر سر افکنده اند، دو جور بوده است: یک نوع صرفاً جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است همان گونه که در عصر حاضر، بعضی از بانوان چادری را می بینیم که چادر داشتن آنها صرفاً جنبه تشریفاتی دارد؛ با چادر هیچ جای بدن خود را نمی پوشانند، بلکه آن را رها می کنند. وضع چادر بر سر کردن شان نشان می دهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان نامحرم نیستند و از اینکه مورد بهره برداری چشم ها قرار بگیرند، امتناعی ندارند.





نوع دیگر بر عکس بوده و هست که زن آنچنان با مراقبت، جامه های خود را می گیرد،
و آن را رها نمی کند که نشان می دهد که اهل عفاف و حفاظ است. خودبه خود
دورباشی ایجاد می کند و ناپاک دلان را مأیوس می سازد.

فلسفه و علل حجاب

برای بررسی علل حجاب باید به چند مورد اشاره کرد، سپس به فلسفه حجاب و پوشش می پردازیم:

۱- چشم چرانی مردان و خودآرایی زنان

در مرد غریزه جنسی بسیار قوی می باشد که او را به شدت به زن علاقه مند می کند. اگر این غریزه کنترل و اشباع نگردد، موجب انحرافات و پیامدهای ویرانگر خواهد شد. اگر هیچ کنترلی در این غریزه نباشد، و مردان آزاد و بی بند و بار باشند، به چشم چرانی می پردازند. به دنبال چشم چرانی، ارتباط های نامشروع و فسادهای دیگر هویدا می شود.

از سوی دیگر، زنان میل به خودآرایی و تمایل به نمایش خود و ظرافت های بدن شان دارند و اگر عفت درونی و کنترلی نباشد، تا جایی پیش می روند که می خواهند عریان باشند.



اگر در جامعه ای عفت و پوشش توسط زنان رعایت نگردد، دود آن به چشم همگان خواهد رفت و زمینه سازی برای بسیاری از جرایم ایجاد خواهد شد. زن چون از ظرافت بیشتری برخوردار است در صورت واقع شدن در محیط بی قانون، که حاکمیت عقل و منطق در آن ضعیف باشد، مورد ستم قرار می گیرد. حجاب و پوشش مانند سدی است که جلوی ظلم و ستم و تجاوز به حقوق زن را می گیرد. اگر غریزه خودآرایی زنان مهار نشود، زن به سمت زرق و برق های کاذب، با پوشش های نامناسب می رود، که او را به سمت پوچی و بیهودگی زیستن می برد و سرانجامش جز گمراهی و تباهی و پاشیدگی کانون های گرم خانواده نیست.

۲- حفظ حرمت و کرامت زن

زن در شرافت و حقوق و شخصیتِ انسانی با مردان برابر است. پس نباید به او همانند یک کالای تبلیغاتی برای جلب مشتری نگاه کرد. حجاب عاملی است که جلوی این نگاه‌ها را می‌گیرد؛ نیز مانع از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها می‌شود. اگر به دستاوردهای درخشان قوانین اسلام توجه نمی‌کنیم، لااقل از ضرر و زیان خانمانسوز بی‌بند و باری عبرت بگیریم.

حجاب موجب جلوگیری از اشاعه فحشا و منکرات در جامعه می‌شود. چه بسیار خانواده‌هایی که بر اثر فساد متلاشی شده‌اند و چه بسیار کودکانی که به همین دلایل بی‌سرپرست گشته‌اند.



امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمایند:

«يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مَتَبَرِّجَاتٍ، مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٌ، فِي الْفِتَنِ

دَاخِلَاتٌ، مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ، مُشْرِئَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَحِلَاتٌ

لِلْمُحَرَّمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ؛

در آخرالزمان که بدترین زمان هاست، زنان بی حجاب و برهنه آشکار می شوند که با زینت و آرایش

بیرون می آیند. آنان از مرز دین خارج شده اند، و در فتنه ها وارد گشته اند، و به سوی شهوت ها تمایل و

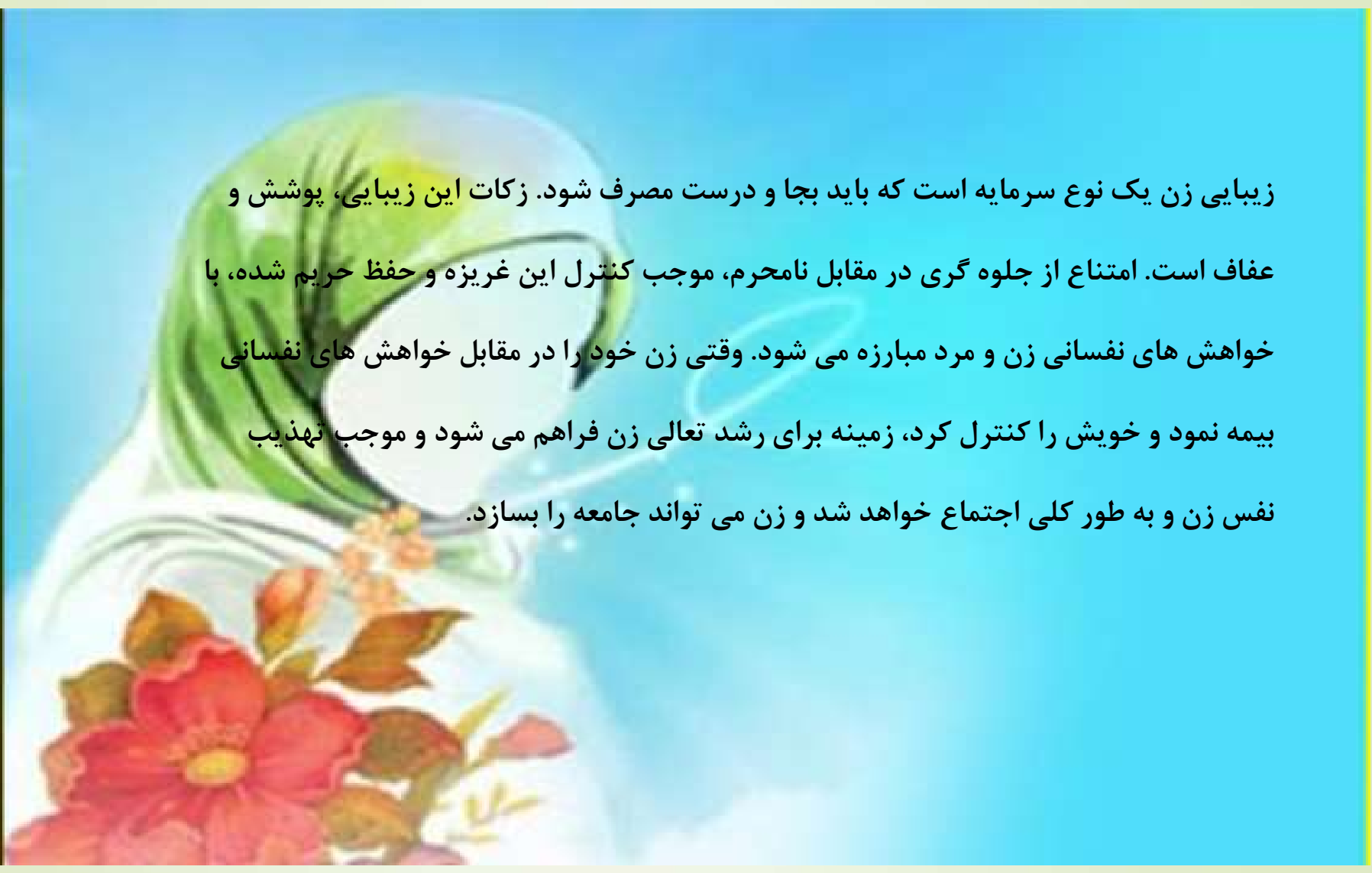
شتاب دارند. حرام ها را حلال می کنند و سرانجام در دوزخ گرفتار عذاب ابدی خواهند شد.»



زن مسلمان تجسم حرمت و عفت در جامعه است. حفظ پوشش، احترام نهادن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاههای ناپاک است. چنانچه زن حدود را رعایت نکند، هر بیماردلی در او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم زن را می شکند. شخصیتی که باید سالم بوده و نسل سالم را تربیت نماید، تحت تأثیر دیده های آلوده به گناه، به طرف شهوت سوق داده شده، هویت خود را فراموش می کند و در چنگال بیماردلان و هوسبازان گرفتار می شود، چنان که از منش انسانیت سقوط کرده و به گرداب حیوانیت فرو می رود.

۳ - جهاد با نفس و خواهش های نفسانی

میل به خودنمایی و خودآرایی در سرشت زن (بنا به مصالحی) نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا قرار گیرد. اگر این میل در زن درست به کار گرفته شود ثمرات مطلوبی داشته و در جهت کمال او کارآمد خواهد بود و در فراهم آوردن محیطی مناسب همراه با زندگی اش سودمند خواهد شد. هیچ میل و گرایشی در انسان بی هدف و بی جهت قرار داده نشده است. اگر گرایش ها حد و مرزی نداشته باشند، فسادآفرین خواهند شد، و در ایجاد ناهنجاری در جامعه تأثیر خود را خواهند گذاشت. پوشش، مهم ترین عامل تعدیل و کاهش این میل می باشد. امام علی (ع) می فرمایند: «زَكَاةُ الْجَمَالِ، الْعِفَافُ؛ زکات زیبایی، عفاف است.»



زیبایی زن یک نوع سرمایه است که باید بجا و درست مصرف شود. زکات این زیبایی، پوشش و عفاف است. امتناع از جلوه گری در مقابل نامحرم، موجب کنترل این غریزه و حفظ حریم شده، با خواهش های نفسانی زن و مرد مبارزه می شود. وقتی زن خود را در مقابل خواهش های نفسانی بیمه نمود و خویش را کنترل کرد، زمینه برای رشد تعالی زن فراهم می شود و موجب تهذیب نفس زن و به طور کلی اجتماع خواهد شد و زن می تواند جامعه را بسازد.

جواز حضور در اجتماع

کنار گذاردن زنان، نادیده گرفتن حضور فعال نیمی از جامعه می باشد. عدم استفاده از نظرات کاری آنان موجب انتقال مسئولیت شان بر نیمه دیگر جامعه می شود. هر گاه نیمه دیگر از این مهم به خوبی بر نیاید، جامعه دچار رکود و از هم پاشیدگی می شود.

اسلام با طرح پوشش زنان، جواز حضور آنان در جامعه را فراهم ساخته و با دستورهای حکیمانه و راهگشایی که در باره منش و روش زن ارائه داده است، از یک سو، از تباه شدن این نیروی عظیم و بی هدف رها شدن آن جلوگیری کرده، از سوی دیگر، از فساد گسترده و ناهنجاری هایی که از اختلاط زن و مرد ناشی می شود، جلوگیری کرده است.

پاسخ شبهه:

در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد. حجاب در اسلام یک وظیفه است که بر عهده زن نهاده شده است که در برخورد با نامحرم باید کیفیت خاصی از پوشیدن توسط زن مراعات شود. این وظیفه از جانب مرد به زن تحمیل نمی شود؛ همچنین با حیثیت و کرامت زن منافاتی ندارد؛ نیز تجاوز به حقوق او نیست و با حقوق طبیعی که خدا برای زن مقرر کرده، در تضاد نمی باشد.

اگر رعایت پاره ای مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که روش خاصی را در پیش بگیرند و طوری عمل کنند که آرامش دیگران را بر هم زنند و تعادل اخلاقی را از بین ببرند، چنین مطلبی زندانی کردن یا بردگی نیست و منافی حیثیت زن و نفی آزادی وی نمی باشد. در کشورهای متمدن جهان نیز یک سری محدودیت ها وجود دارد مثلاً اگر مردی پا برهنه یا با لباس خواب از خانه خارج شود و حتی اگر با پیژامه بیرون آید، پلیس او را منع کرده و به عنوان عمل خلاف حیثیت اجتماعی وی را جلب و زندانی می کند.

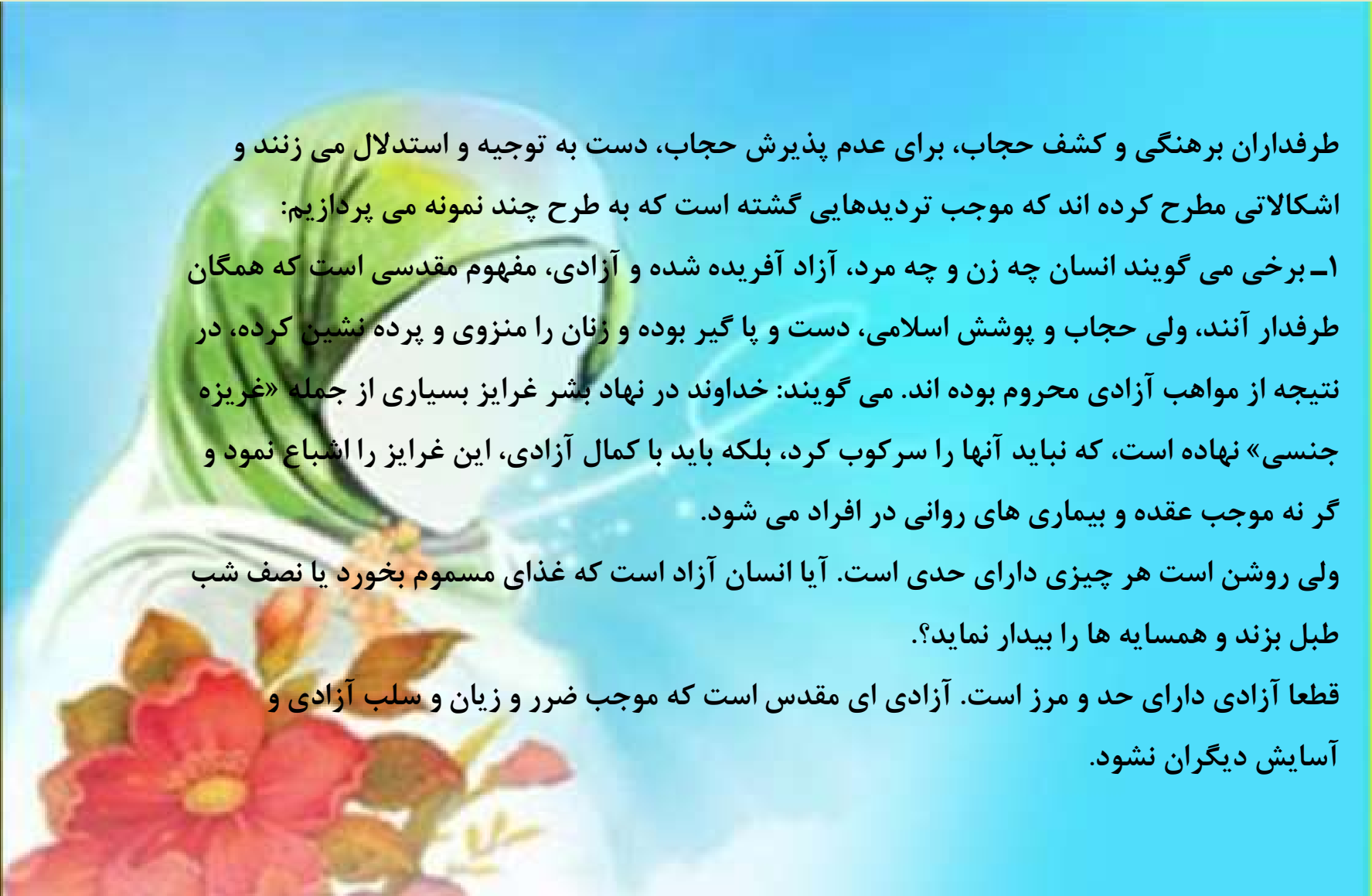
اسلام به زنان می گوید دو مسئله را رعایت کنید تا ایمن باشید:

۱- پوشیده باشید.

۲- به گونه ای راه نروید و سخن نگویید که تحریک آمیز باشد.

دستورها، به مصلحت زن است تا با امنیت بیشتر از خانه خارج شده و به آنجا برگردد.





طرفداران برهنگی و کشف حجاب، برای عدم پذیرش حجاب، دست به توجیه و استدلال می زنند و اشکالاتی مطرح کرده اند که موجب تردیدهایی گشته است که به طرح چند نمونه می پردازیم:

۱- برخی می گویند انسان چه زن و چه مرد، آزاد آفریده شده و آزادی، مفهوم مقدسی است که همگان طرفدار آنند، ولی حجاب و پوشش اسلامی، دست و پا گیر بوده و زنان را منزوی و پرده نشین کرده، در نتیجه از مواهب آزادی محروم بوده اند. می گویند: خداوند در نهاد بشر غرایز بسیاری از جمله «غریزه جنسی» نهاده است، که نباید آنها را سرکوب کرد، بلکه باید با کمال آزادی، این غرایز را اشباع نمود و گر نه موجب عقده و بیماری های روانی در افراد می شود.

ولی روشن است هر چیزی دارای حدی است. آیا انسان آزاد است که غذای مسموم بخورد یا نصف شب طبل بزند و همسایه ها را بیدار نماید؟.

قطعا آزادی دارای حد و مرز است. آزادی ای مقدس است که موجب ضرر و زیان و سلب آزادی و آسایش دیگران نشود.



۲- می گویند: زنان نیمی از جامعه هستند و باید دوش به دوش مردان به کارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... بپردازند. صحیح نیست که جامعه را از نیمی از نیروی انسانی خود محروم کرده و آنها را به انزوا کشید. حجاب عامل مهمی برای به انزوا کشیدن زنانی است که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند. حجاب دست و پا گیر بوده و زنان را از فعالیت های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... باز می دارد. درست است که زنان نیمی از اعضای فعال جامعه هستند و باید در تمام صحنه ها تلاش داشته باشند، ولی پوشش اسلامی (حجاب) در حدی که آنان را از تلاش در صحنه های کار و فعالیت باز دارد، دست و پا گیر نیست، زیرا حجاب به معنی پرده نشینی نیست بلکه به معنی پوشش معقول است. زن می تواند با لباس های بلند و پوشش کامل اسلامی به تلاش برای زندگی بهتر بپردازد و در مواردی که چادر لباس برتر و پوشش عالی تر است در صحنه ظاهر شود.



۳- می گویند: حجاب و پوشش زن، موجب فاصله انداختن میان زن و مرد شده، مردان را به زنان حریص تر می کند و آتش تمایلات آنها را شعله ورتر می کند چرا که «الانسانُ حریصٌ علی ما مُنِعَ»
انسان نسبت به چیزی که از آن ممنوع شده، حریص است.»
این اشکال، نوعی مغالطه است، چون پوشش در اسلام به معنی محرومیت زن و مرد از اشباع غریزه از راه صحیح نیست تا موجب عطش بیشتر و ناهنجاری گردد. اگر آنچه که اسلام در مورد آسان گیری در ازدواج فرموده، اجرا شود، غریزه از راه صحیح اشباع شده و اشکالی پدید نمی آید.

علل گسترش بدحجابی

1- تلاش استعمار در مبارزه با پوشش

2- دگرگونی ارزش ها

3- الگوهای نادرست

4- خلاءهای درونی



راههای مبارزه با بدحجابی و بی حجابی

۱- تقویت اعتقادات و ایمان

۲- احیای فرهنگ اصیل اسلامی

۳- شناساندن الگوهای والا و برتر



پوشش کارکنان زن شامل:

چادر یا مانتوی غیرچسبان با آستین بلند تا زیر زانو و بدون علائم، شلوار پارچه ای، مقنعه بلند
(بهطوریکه تمام سر، مو و نواحی گردن پوشیده شود) بارنگهای متعارف، عدم استفاده از زینت و
زیورآلت غیرمتعارف و عدم استفاده از هرگونه لوازم آرایشی.

پوشش کارکنان مرد شامل:

رعایت آراستگی و متانت ظاهری، اجتناب از پوشیدن تیشرت، پیراهن تنگ یا آستین کوتاه، شلوار تنگ
یا جین و لباسهای دارای نشانه های غربی، عدم استفاده از زیورآلت، کمربندهای پهن با سگک
غیرمتعارف و پیرایش مناسب موی سروصورت.



وقتی در خانه را می‌بندی،

یا پشت پنجره‌ی اتاقت پرده می‌آویزی،

خانه خود را از ورود بیگانه و نگاه‌های مزاحم در پناه قرار داده‌ای،

نه که خود را در قید و بند و حصار افکنده باشی.

